گونه‌بندی شیوه‌ی طراحی و ساخت درب‌ها و سردرهای بافت تاریخی رشت از دوره‌ی قاجار تاکنون

کاظم افرادی
دانشجوی دکترای شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده‌ی شهرسازی، دانشگاه تهران
Kazem55@ymail.com

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084 /NBSH.2017.6202.1260
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲
(از ص ۲۰۳ تا ۲۱۸)

چکیده

ورودی‌ها، یکی از بخش‌های مهم ساختمان‌ها هستند که در قالب درب و سردر ساخته می‌شوند. به‌نظر می‌رسد امروزه نحوه‌ی ساخت و طراحی این بخش، متحول‌شده و از غنای گذشته برخوردار نیست؛ اما می‌توان با شناخت، گونه‌بندی و بازتولید شیوه‌ها و نگاره‌های پیشین، اقدامی مهم در راستای احیای هویت فرهنگی و معماری شهرهای کشورمان برداشت. مسئله‌ای که این پژوهش بدان می‌پردازد، چگونگی گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای یک بافت تاریخی است. مطالعه‌ی موردی پژوهش، بافت مرکزی رشت، به‌عنوان یکی از شهرهای قدیمی کشور می‌باشد. باتوجه مسئله‌ی مذکور، هدف پژوهش «تدوین معیارهای لازم به‌منظور گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای یک بافت تاریخی و تطبیق آن در مورد بافت تاریخی شهر رشت» می‌باشد. اطلاعات پژوهش حاضر، براساس پیمایش نگارنده در بافت تاریخی رشت و با ابزار «عکس‌برداری» و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، ابتدا چارچوبی مشتمل بر ویژگی‌های کارکردی، تزیینی و تناسباتی درب و سردرها پیشنهاد می‌گردد؛ سپس تصاویر گرفته‌شده توسط نگارنده، بر چارچوب تعریف‌شده، با روش توصیفی-تحلیلی، عرضه می‌گردد. پژوهش نشان می‌دهد که باتوجه به‌تحولات سیاسی، اجتماعی و فنّاورانه رُخ‌داده در ایران و شهر رشت، می‌توان ساخت و طراحی درب و سردر بافت تاریخی رشت را برمبنای شش‌گونه‌ی تفکیک نمود: از دوره‌ی قاجار و ماقبل برمبنای گونه‌ی تاریخی، سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ بر مبنای گونه‌ی سنتی ساده و پُرکار، سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ برمبنای گونه‌ی تلفیقی و تقلیدی و دوره‌ی متأخر برمبنای گونه مدرن. مقایسه‌ی ویژگی‌های این گونه‌ها نشان می‌دهد که اگرچه طراحی و ساخت ورودی تجلی کالبدی، تلاشی برای انجام یک عملکرد، القای مفاهیم اجتماعی و فرهنگی موجود در یک فرهنگ و همچنین نمایش جایگاه اجتماعی و پایگاه مذهبی سازنده یا مالک ساختمان می‌باشد، اما با گذشت زمان و متأثر از تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری، به‌تدریج شیوه‌های سنتی طراحی درب و سردر زوال‌یافته و به‌سمت کم‌مایگی و تبدیل‌شدن ورودی از یک مکان به یک تیغه سوق‌یافته است.

کلیدواژگان: گونه‌بندی شیوه‌ی ساخت و طراحی، درب و سردر، بافت تاریخی، شهر رشت.

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

ورودی ساختمان، یکی از عناصر مهم آن ساختمان محسوب می‌شود. در گذشته سردر ورودی نسبت به‌سایر اجزاء خانه، از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بوده؛ زیرا، علاوه‌بر این‌که به‌عنوان یکی عنصر رابط بین برون و درون خانه محسوب می‌شده، از لحاظ زیبایی بصری نیز شاخصی برای تشخیص ارزش هویت و معماری هر ساختمان بوده است (محمدی و رجبی، ۱۳۸۹: ۲۱). در گذشته‌ای نَه‌چندان دور، ورودی یک ساختمان (که در قالب سردر و درب طراحی می‌شد) نمایانگر اعتقادات، باورها و سنت‌های ساکنان بود؛ اما، گویا امروزه از غنای این بخش‌ها کاسته شده است. روزآمد نمودن و بازیابی این اصول و استفاده از آن‌ها در طراحی ورودی ساختمان‌های امروزی، می‌تواند گامی در جهت احیای هویت فرهنگی و معماری شهرهای کشورمان باشد؛ اما چگونه می‌توان این اصول را شناسایی و برای روزآمد نمودن آن‌ها اقدام نمود؟ به‌نظر می‌رسد با گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای گذشته برحسب شیوه‌ی ساخت و طراحی آن‌ها بتوان به این مهم دست‌یافت. بر این‌مبنا می‌توان سؤالات پیشِ‌رو را در پژوهش مطرح نمود و بدان‌ها پاسخ داد: معیارهای لازم به‌منظور گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای موجود در یک بافت تاریخی چیست؟ گونه‌های مختلف درب و سردرهای موجود در بافت تاریخی شهر رشت کدام‌اند؟

هدف پژوهش: باتوجه به‌سؤالات مطرح‌شده، هدف پژوهش «تدوین معیارهای لازم به‌منظور گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای موجود در یک بافت تاریخی و کاربرد آن در مورد بافت تاریخی شهر رشت» می‌باشد. نیل به این هدف، خود گامی است برای دستیابی به‌هدفی بزرگتر، یعنی: نوسازی هویت‌مندانه‌تر بافت تاریخی شهرهای کشور.

روش پژوهش: در قسمت اول این پژوهش، معیارهای لازم به‌منظور گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای موجود در یک بافت تاریخی، در قالب یک چارچوب مدون پیشنهاد می‌گردد. در قسمت دوم پژوهش، تصاویری که نگارنده با روش عکس‌برداری از ورودی ۶۰ ساختمان مختلف در بافت تاریخی شهر رشت تهیه نموده است، بر چارچوب پیشنهادشده عرضه می‌گردد. در این قسمت برای رسیدن به‌نتیجه‌ای دقیق‌تر و منطبق‌تر با تحولات صورت‌گرفته در طول زمان، کار گونه‌بندی تصاویر تهیه‌شده در یک‌سری بازه‌های زمانی صورت می‌گیرد؛ بازه‌هایی که حدود آن‌را وقوع تحولات مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌نماید. بنابراین، تصاویر تهیه‌شده، طبق چارچوب پیشنهادشده و در قالب بازه‌های زمانی تعیین‌شده، گونه‌بندی می‌شوند و هرگونه مورد توصیف و تحلیل قرار می‌گیرد. می‌توان گفت، این پژوهش از نوع «کاربردی» و روش آن «توصیفی-تحلیلی» است. داده‌های پژوهش نیز از منابع تاریخی و تصاویر گرفته‌شده توسط نگارنده به‌دست می‌آید.

پیشینه‌ی پژوهش: پیشینه‌ی این پژوهش را می‌توان از دو منظر بررسی نمود؛ اول، پرداختن به‌شیوه‌های ساخت و گونه‌شناسی درب و سردر بافت‌های تاریخی و دوم، بررسی این موضوع در بافت تاریخی رشت. مطالعات نگارنده در مورد موضوع اول، نشان می‌دهد که چند پژوهش در این زمینه انجام شده است. یکی

Archive of SID

www.SID.ir

از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، کتب حسین سلطان‌زاده با عنوان: *فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم* (۱۳۷۱) و *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران* (۱۳۷۰) است. در این کتاب‌ها، موضوع درب و سردر به‌عنوان بخشی از فضای ورودی ساختمان مورد بررسی قرارگرفته است و نَه به‌عنوان موضوعی جداگانه. همچنین در این کتاب به سبک‌های مختلف معماری به‌کار رفته در طراحی ورودی ساختمان‌ها از جمله بخش درب و سردر آن‌ها نیز پرداخته‌شده است که در این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد. وجه‌تمایز اصلی این پژوهش نسبت به دو کتاب نام‌برده را می‌توان تمرکز بر بافت تاریخی رشت، تمرکز بر موضوع طراحی سردر و درب و توجه به بازه‌ی تاریخی پس از تألیف این کتاب‌ها (۱۳۷۰هـ.ش. به بعد) دانست.

به‌جز دو مورد اشاره‌شده، سایر پژوهش‌های عمومی صورت‌گرفته، بخشی و متمرکز بر یک مطلب خاص می‌باشند؛ مانند کتاب *نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم*، تألیف افسانه حاجی‌علی محمدی (۱۳۷۲)، مقاله‌ی رضا محمدی و محمدعلی رجبی (۱۳۸۹) در بررسی کتیبه‌های سردر منازل تاریخی شهر تهران، مقاله‌ی پیوند دوستی‌مطلق (۱۳۸۸) در بررسی تاریخچه‌ی ورودی و مقاله‌ی محمدزاده و علی زاده (۱۳۹۲) در تجزیه‌وتحلیل تزیینات فلزی درب ورودی مدرسه‌ی چهارباغ اصفهان. در حوزه‌ی موضوع دوم (یعنی طراحی درب و سردر در بافت تاریخی شهر رشت) باید گفت، اگرچه مطالعات خوبی توسط مژگان خاکپور و همکاران (۱۳۸۹) در مورد گونه‌های معماری مسکونی بافت تاریخی رشت انجام شده؛ اما در حوزه‌ی گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای بافت تاریخی این شهر وارد نشده است. باتوجه به موارد ذکرشده، نقطه‌ی متمایزکننده‌ی این پژوهش را می‌توان تمرکز بر طراحی درب و سردر، آن‌هم در بافت تاریخی رشت دانست. همچنین مطالعه‌ی حاضر می‌تواند گامی در راستای تکمیل پژوهش‌های گذشته و اقدامی مهم در حفظ اسناد هویتی بافت تاریخی شهر رشت باشد.

مبانی نظری پژوهش

معیارهای گونه‌بندی درب‌ها و سردرهای موجود در یک بافت تاریخی: هر ورودی دارای نقش‌های کالبدی و کارکردی می‌باشد. از نقش‌های کالبدی ورودی، می‌توان به‌تأمین و نظارت بر: ارتباط، کنترل‌گری، نفوذپذیری، تبدیل‌پذیری، تشخص و خوانایی، پذیرندگی یا دعوت‌کنندگی نام‌برد (دوستی‌مطلق، ۱۳۸۸: ۹۱). از سویی، ورودی به‌عنوان یکی از عناصر مهم و مؤثر در معرفی افکار و نظریات دوران محسوب می‌شود و متناسب، هماهنگ و پیوسته با امکانات، اهداف عملکری و تفکرات دوره‌ی مربوط به‌خود شکل می‌گیرد (دوستی‌مطلق، ۱۳۸۸: ۹۱). با این مقدمه، می‌توان گفت که طراحی و ساخت ورودی تجلی کالبدی تلاشی برای انجام یک عملکرد، القای مفاهیم اجتماعی و فرهنگی موجود در یک فرهنگ و همچنین نمایش جایگاه اجتماعی و پایگاه مذهبی سازنده یا مالک ساختمان می‌باشد. دستیابی به‌تمام اهداف ذکرشده در طراحی ورودی، الزاماتی کالبدی را بر شیوه‌ی ساخت و تزیین آن تحمیل می‌نماید. در این پژوهش، صرفاً این الزامات کالبدی

Archive of SID
www.SID.ir

مدنظر می‌باشد؛ الزاماتی از قبیل: تناسبات، مصالح، تقسیمات، الحاقات، نگاره‌ها و رنگ‌های درب و سردر. به‌منظور تسهیل امر گونه‌بندی، موارد اشاره‌شده در قالب سه دسته‌ی کلی، شامل: ویژگی‌های تزیینی، تناسباتی و کارکردی ساماندهی و پیشنهاد می‌شود. این ویژگی‌ها در جدول (جدول ۱) آمده است.

جدول ۱. با بررسی ویژگی‌های کارکردی، تناسباتی و تزیینی، گونه‌شناسی شیوه‌های ساخت و طراحی درب و سردر هر بافت تاریخی تسهیل می‌گردد (نگارنده، ۱۳۹۴). ◄

ویژگی‌های قابل‌توجه در شناسایی و گونه‌شناسی شیوه‌های طراحی درب و سردر یک بافت تاریخی		
کارکردی	تناسباتی	تزئینی
ویژگی کارکردی ساختمان	تناسبات و تقسیمات درب	الحاقات درب
	تناسبات و تقسیمات سردر	جنس درب
	نحوه‌ی کار گذاشتن درب نسبت به سردر و معبر	نوع کتیبه‌های سردر
		نقوش نمادین درب و سردر
		طیف (پالت) رنگی درب
		مصالح به‌کار رفته در ساخت سردر

بازه‌های تاریخی مهم در سیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معاصر ایران

- **دوره‌ی قاجار و ماقبل:** منظور از این دوره، جامعه‌ی پیش از حکومت پهلوی است؛ دوره‌ای که هنوز تأثیرات شگرفی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی نسبت به دوره‌ی ماقبل خود، در کشور ایجاد نشده است. معماری قاجار ادامه‌دهنده‌ی معماری دوران‌های پیش از خود، به‌خصوص صفویه است (کمالی، ۱۳۸۹: ۵۳) و فرهنگ درون‌زا هنوز بر مفاهیم غربی غلبه دارد.

- **۱۳۰۰ هـ.ش. تا نیمه‌ی پهلوی دوم:** منظور از این دوره، زمانی است که حکومت با تشویق اقشار مختلف به تجددگرایی، اقدامات همه‌جانبه‌ای را (از جمله در بُعد معماری و کالبدی) هرچند ظاهرگرایانه و سطحی، انجام می‌دهد. این اصول که با هدف تحقق ایده‌های مکتب مدرنیسم و متجدد ساختن جامعه‌ی ایران ادامه می‌یابد، با شعار نفی روح زمانه و انقطاع تاریخی در حوزه‌ی معماری تأثیر قابل‌توجهی می‌گذارد. در نتیجه، روند غلبه‌ی غرب‌گرایی و اصول معماری آن برمبانی معماری داخلی تسریع می‌گردد. این تحولات نحوه‌ی طراحی ورودی (سردر و درب) را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

- **دوره‌ی گذار (دهه‌های ۴۰ تا ۷۰):** منظور از این دوره، زمانی است که به‌واسطه‌ی پیشرفت فناوری، تغییر شیوه‌های ساخت‌وساز، افزایش جمعیت و نرخ فزاینده‌ی شهرنشینی، اصلاحات ارضی و... جامعه‌ی ایران وارد عرصه‌ی جدید اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. حضور و تسلط مکتب مدرنیسم در معماری این دوره، کم‌کم اصول معماری بومی را کنار می‌زند. در این مکتب، ساختمان‌ها برای انتقال معانی عملکردی خود از داخل به‌خارج طراحی می‌شوند و از این طریق فقط به برنامه‌ی فضایی و عملکردی درونی خود پاسخ می‌دهند (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲). هنر انتزاعی و بی‌اعتنا به تماشاگر [این دوره] اصل و ارزش‌های انسانی و معیارهای سنتی را به یک‌سو نهاده و به‌نظم، خلوص، نوآوری و صراحت پای می‌فشرد (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۱۲). با وقوع این تحولات و عوض شدن شیوه‌ی زندگی در

Archive of SID

www.SID.ir

نیم‌قرن گذشته، مفهوم و مصداقِ خانه و سکونت، جای خود را به‌واحد مسکونی و اسکان داد (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۲۹۴). شاخص دیگر در این دوره، حضور و سلطه‌ی فناوری و مصالح مدرن (شیشه،بتن و فولاد) و تأکید بر خلوص‌گرایی در کاربرد مصالح و رنگ است (گلکار، ۱۳۹۰: ۱۷۷). شهر و ارزش‌ها سنتی آن در این بازه‌ی زمانی مهجور واقع می‌شود. در این دگرگونی ارزش‌ها، هر آن‌چه از نظر سازمان فرهنگی جامعه هویت‌بخش است، به‌عنوان مفاهیم سنتی تا حد موزه‌ای به‌عقب رانده می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

- **دوره‌ی متأخر (دهه‌های ۷۰ به‌بعد):** منظور از این دوره، دهه‌های اخیر می‌باشد. دهه‌هایی که ورود به قرن بیست‌ویکم، پیشرفت فناوری اطلاعات، نوسازی بافت‌های فرسوده، تجمیع قطعات ساختمانی، توسعه‌ی صنعت، افزایش آپارتمان‌سازی و... سبک جدیدی از سکونت در شهرهای بزرگ کشور و ازجمله رشت، نضج می‌گیرد. کم‌رنگ شدن ارتباطات چهره‌به‌چهره، گسست هویت اجتماعی و فرهنگی، کاهش شناخت و تعلق‌خاطر همسایگی نسبت به‌یکدیگر و محله‌ی سنتی از ویژگی‌های این دوره است.

بافت تاریخی شهر رشت: رشت یکی از شهرهای قدیمی ایران است که در زمان صفویه به‌عنوان مرکز ایالت، دوره‌ی جدید شهرنشینی خود را آغاز نمود. شهر رشت برپایه‌ی اقتصاد تجاری شکل‌گرفته و بناهای برجای‌مانده در بافت قدیم بیشتر متعلق به تجار این شهر است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵). امروزه کلانشهر رشت با ۱۴ هزار و ۶۷۰ هکتار مساحت و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت، ۷۱۷ هکتار بافت فرسوده دارد (لاهیگ، ۱۳۹۱: ۱). این بافت‌ها بیشتر در محلات قدیمی و مرکزی شهر قابل یافت هستند؛ مانند محله‌های ساغریسازان، رودبارتان، خمیران زاهدان، دباغیان، کوزه‌گران، خمیران، چهل‌تن، چله‌خانه، چمارسرا، استادسرا، پاسکیاب، سرخ‌بنده، آتشگاه بیستون، صیقلان، زرجوب کیاب، سبزه‌میدان، چهاربرداران و... (حق‌دوست، ۱۳۹۲: ۲). محدوده‌ی مورد مطالعه عمدتاً شامل محله‌های صیقلان، بازار، خمیران زاهدان، باقرآباد، رودبارتان و سبزه‌میدان است.

گونه‌های مختلف طراحی درب و سردر بافت تاریخی رشت برحسب دوره‌های زمانی

دوره‌ی قاجار و ماقبل: رشت تا پیش از دوره‌ی صفویه اهمیتی نداشت (پاکزاد، ۱۳۹۰) و هسته‌ی اولیه‌ی آن در زمان صفویه شکل‌گرفت. پس‌از آن دوره، بناهای مختلفی شامل: مساجد، تکیه‌ها، آرامگاه‌ها، گرمابه‌ها، مدارس و برخی خانه‌های اعیانی، در رشت ساخته‌شده است؛ اگرچه هنوز بناهای عمومی متعلق به‌بازه‌ی زمانی صفویه تا قاجار در بافت تاریخی شهر قابل یافت است، اما درب و سردر آن‌ها به‌دلیل تعمیر و بازسازی تغییریافته است. به‌عبارتی، نگارنده درب و سردر ساخته‌شده‌ی پیش از دوره‌ی قاجاریه در بافت، یافت نکرد. قدیمی‌ترین نمونه‌ی بناهایی که شکل اولیه‌ی درب و سردر خود را حفظ نموده‌اند، متعلق به دوره‌ی قاجار است. این بناها عبارت‌اند از: گرمابه حاجی (اکبریه)، گرمابه پیرسرا (گلزار) و یک مرکز آموزشی قدیمی.

Archive of SID
www.SID.ir

در دیوارنگاری‌های دوره‌ی قاجار، سه مضمون بر سایر مضامین غلبه داشته است؛ مضامین حماسی و سیاسی، مضامین تزیینی و بزمی و مضامین مذهبی (شریفی، ۱۳۹۱: ۳). در هر سه این بناها این مضامین به‌کاررفته است. در این بناها نقوش اسطوره‌ای[۱] نیز نمایش داده‌شده است. نمایش رزم‌های شاهنامه، مانند: رزم رستم و دیو سفید در سردر حمام حاجی و نمایش فرشته‌های حافظ تخت پادشاهی و تصاویری از پهلوانان اسطوره‌ای ایرانی و تصویر احمدشاه در مرکز آن در سردر حمام پیرسرا، دو نمونه از کاربرد مفاهیم اسطوره‌ای در سردرهای شهر رشت می‌باشد (شکل ۱). کاربرد گل‌وبوته، نقش شیر و خورشید در سردر حمام پیرسرا و مرکز آموزشی قدیمی را هم می‌توان برگرفته از مفاهیم اسطوره‌ای دانست. البته در این دو نمونه از شیوه‌های فرنگی نیز در طراحی سردر استفاده‌شده است که می‌توان آن‌را متناسب با گونه‌ی «تلفیقی» طراحی ورودی که حسین سلطان‌زاده در کتاب خود نام‌گذاری کرده است، دانست. رنگ‌های به‌کار رفته در کاشی‌کاری‌های این سردرها، همان رنگ‌های معمول در عصر قاجاری است. سایر ویژگی‌های درب‌سازی و سردرسازی در این دوره از لحاظ: رنگ‌آمیزی، ابعاد، آرایه‌ها، جنس و تقسیمات، برگرفته از سنت معمول در دوره‌های پیشین بوده است که در بخش بعدی ذکر می‌گردد.

سال‌های ۱۳۰۰ هـ.ش. تا نیمه‌ی پهلوی دوم: در این دوره هنوز تغییرات اجتماعی و فرهنگی در شهر رشت به‌حدی نیست که روند معمول معماری سنتی را بسیار متحول نماید. اصولاً بناهای بافت قدیم شهر رشت در تعامل با ساکنان،

شکل ۱. سردر گرمابه حاجی و گرمابه پیرسرای رشت (نگارنده، ۱۳۹۴). ▼

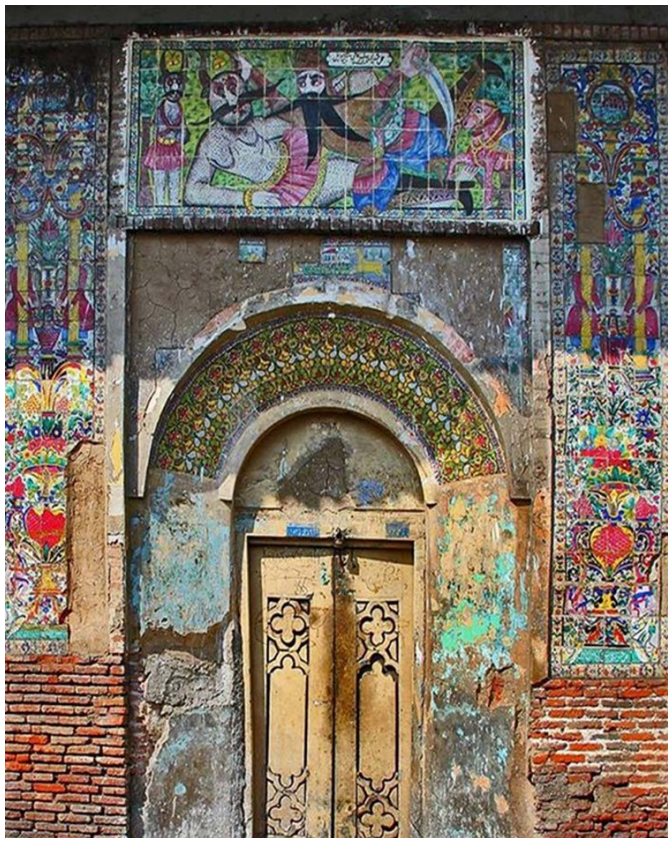

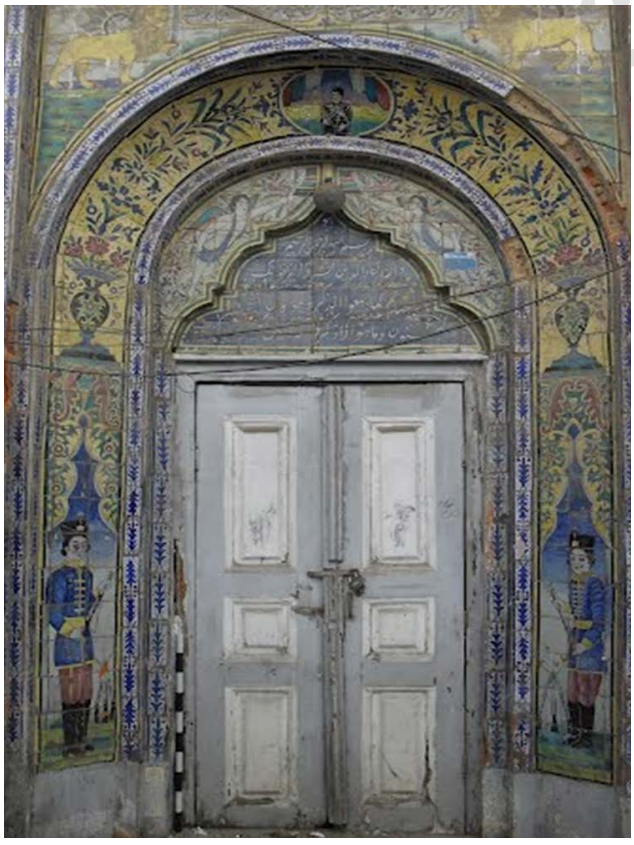

Archive of SID

www.SID.ir

پاسخ‌گوی نیازهای اقلیمی، سنت‌های زیستی و خصوصیات فرهنگی و فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی مردم بوده‌اند (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴). درب و سردرسازی نیز منطبق با همان اصول سنتی که قبلاً مرسوم بوده، انجام می‌شده است. در این دوره مانند سایر شهرهای سنتی ایران، ورودی فضایی است شاخص و مستقل و امکان مکث به اندازه‌ی لازم را فراهم می‌آورد. فضای ورودی [...] این امکان را فراهم می‌آورد که اعمالی چون: مذاکره، دیدارهای سریع و غیررسمی، ردوبدل کردن مایحتاج و از این قبیل در آن صورت گیرد (بهزادفر، ۱۳۸۷: ۲۵). می‌توان گفت، این ثبات نسبی (یا تغییر تدریجی)، با چشم‌پوشی از تحولات جزئی، تا نیمه‌ی عصر پهلوی دوم (دهه‌ی ۴۰ هـ.ش.) ادامه داشته است.

با یک دید کلی و براساس تحلیل و مقایسه‌ی درب‌های منتسب به دوره‌ی سنتی که در بافت تاریخی شهر رشت یافت شده است؛ درب و سردرهای بافت مرکزی شهر رشت در این دوره را می‌توان در قالب دو نوع، شامل «ساده» و «پُرکار» تقسیم‌بندی نمود. می‌توان این تقسیم‌بندی را تجلی و ظهور وجود دو نوع کلی از طبقات اجتماعی و فرهنگی در شهر رشت، مانند سایر شهرهای ایران، دانست؛ درب‌ها و سردرهای ساده برای طبقات متوسط و عامه، و درب‌ها و سردرهای پُرکار برای طبقات اعیان و ثروتمند. البته این اختلاف طبقاتی تنها در درب‌ها و سردرها خلاصه نمی‌شود و در سایر بخش‌های خانه نیز خودنمایی می‌کند که خارج از موضوع بحث این پژوهش است.

درب‌های سنتی ساده: این نوع درب‌ها که وجه غالب درب‌های سنتی یافت‌شده را تشکیل می‌دهند، بیشتر در کوچه‌پس‌کوچه‌ها یافت شد و غالباً متعلق به‌واحدهای مسکونی بود. جنس این درب‌ها چوبی است؛ دو لنگه دارد و هر لنگه درب از یک تا سه لته چوب ساخته‌شده است. این درب‌ها، همانند درب‌های سنتی سایر نقاط ایران دارای الحاقاتی مانند: گل‌میخ، کوبه‌های مختص مردان و زنان، جاکلیدی، چفت و بست و خروسک هستند که با هنر زمودگری برروی چوب نصب شده‌اند. اندازه‌ی درگاه خانه‌ها معمولاً ۱٫۵ متر و عمق آن حدود ۰٫۵ متر و درب خانه‌ها بیشتر مستطیل‌شکل و دارای ابعادی در مقیاس انسانی بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۲۸). ابعاد و ترکیب تزیینات این نوع درب‌ها به‌صورت کاملاً متقارن است و چون جنس درب‌ها چوبی است، طیف رنگی متنوعی ندارند و اغلب درب‌ها تیره‌رنگ هستند. یکی از ویژگی‌های قابل‌توجه سردرهای دوره‌ی سنتی یافت‌شده در این شهر، که نسبت به سردرهای سنتی سایر مناطق مرکزی ایران کمتر وجود دارد، پایین‌تر نبودن سطح ارتفاعی درب نسبت به‌معبر می‌باشد که علت اصلی آن را می‌توان جلوگیری از نفوذ آب باران به‌داخل خانه به‌دلیل سطح بارندگی بالا در این شهر، دانست. استفاده کمتر از گُل‌میخ و یا ابعاد کوچک‌تر آن‌را می‌توان یکی از ویژگی‌های متمایز درب‌های سنتی رشت با درب‌های سنتی سایر شهرهای ایران دانست. در عوض نقوشی به‌صورت مربع‌های برجسته، شمسه، چلیپا و زاویه‌دار از متداول‌ترین آرایه‌های قابل یافت درب‌های سنتی پُرکار بافت تاریخی شهر رشت می‌باشد که در سایر نقاط کشور کمتر قابل‌مشاهده است.

Archive of SID

www.SID.ir

نسبت کلی عرض به‌طول این درب‌ها، از ۱ به ۱٫۵ تا ۱ به ۲ متغیر می‌باشد. تقسیمات درب با تناسبات آن مرتبط است و درب‌های سنتی ساده‌ی یافت‌شده را از لحاظ تقسیمات می‌توان به سه نوع: تک‌بخشی، دوبخشی و سه‌بخشی تقسیم‌بندی نمود. درب‌های سنتی ساده، آرایه‌هایی که در هر لنگه وجود دارد، ساده و بیشتر در قالب قاب‌های مستطیلی استفاده‌شده‌اند.

سردرهای سنتی ساده: اگر سردرهای سنتی ساده، از زمین تا بام به سه قسمت پایه، ساقه و پیشانی تقسیم شود، آن‌گاه می‌توان گفت که در سردرهای سنتی ساده، پایه‌ی سردر بسیار ساده و با استفاده از آجر ایجادشده است که پیرنشین (پاخوره) نیز در آن تعبیه‌شده است (شکل ۲). قسمت ساقه که در امتداد قسمت پایه قرار دارد، در اغلب موارد ساده است و بدون تزیین خاصی ایجادشده و تنها تفاوت آن با بخش پایه، این است که در سال‌های بعد از احداث خانه، برای محافظ در برابر رطوبت بالای موجود در شهر رشت، تا ارتفاع حدوداً یک متری با ملات سیمان پوشیده شده است. اما قسمت پیشانی سردر با کمی تورفتگی با قوس‌های کمانی، جناغی و نیم‌دایره با آجرکاری پُرشده و به‌گونه‌ای است که هیچ روزنی از بیرون به‌داخل خانه وجود ندارد. همچنین استفاده از پلاک در این دوره، ابتدا به‌صورت کاشیِ شماره‌دار آغاز و در دوره‌های بعدی از جنس فلز ساخته می‌شود.

یک نوع از آرایه‌های به‌کار رفته در قسمت پیشانی سردرهای سنتی ساده، کتیبه است. کتیبه‌ها شامل متونی هستند که براساس اعتقادات اسلامی و شیعی توصیه‌شده و در قالب یک جمله یا یک کلمه به‌صورت گچ‌کاری یا کاشی‌کاری بر پیشانی سردر نصب می‌شوند. متون این کتیبه‌ها برگرفته از دعاها و آیه‌های قرآنی است و برای ایجاد خیر و برکت در منزل و همچنین برای در امان نگه‌داشتن ساکنان از شر شیطان و چشم بد در هنگام خروج از خانه به‌کار می‌رود (ولیزاده اوغانی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). به‌یک معنای دیگر، کتیبه نماد و نشانه است؛ نماد درخواست هدایت‌گری بنده از خداست، کتیبه نشان‌دهنده‌ی صراط مستقیم است و یاری‌کننده و محکم‌کننده‌ی دل مؤمن به‌سوی خداست (محمدی و رجبی، ۱۳۸۹: ۲۲). برخی کتیبه‌ها ساده‌اند و برخی پیچیده و درگیرکننده‌ی بیننده به‌خود هستند. پیچیدگی کتیبه‌ها می‌تواند موجب تازگی اثر و کنجکاو نمودن ناظر باشد. در سردرهای مطالعه شده، متونی بدین‌شرح یافت شد: آیه‌ی حصن؛ لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار؛ بسم‌الله الرحمن الرحیم؛ آیه و ان یکاد؛ یدالله فوق ایدیهم؛ یدالله مع‌الجماعه؛ ادخلوها بسلام آمنین و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد.

درب‌های سنتی پُرکار: درب‌های سنتی پُرکار تمام ویژگی‌های درب‌های سنتی ساده را به‌علاوه‌ی جزئیات و تزیینات بیشتری دارند. درب‌های پُرکار، اغلب سه‌بخشی و بلندتر بودند و بیشتر در لبه‌ی بافت، بالأخص در کنار خیابان‌ها و در کاربری‌های عمومی و منازل مسکونی اعیانی یافت شد. آرایه‌های به‌کار رفته در هر لنگه از این نوع درب‌ها در سه قسمت مختلف به‌کار رفته است: قاب بالایی، کمر و قاب پایینی. از طرفی قاب بالایی می‌تواند تاج‌دار و بدون‌تاج و قاب پایینی نیز پایه‌دار و یا بودن پایه باشد.

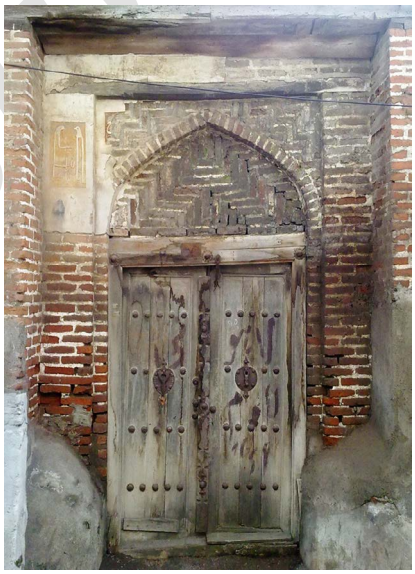

▲ شکل ۲. نمونه‌ی درب‌ها و سردرهای سبک سنتی ساده (نگارنده، ۱۳۹۴).

Archive of SID

www.SID.ir

یکی از نقوش معمول در طراحی درب‌های سنتی پیچیده، که در تصاویر گرفته‌شده از درب‌های بافت تاریخی رشت نیز قابل‌مشاهده است، نقش «چلیپا» است که در هر لنگه‌ی درب وجود دارد. این نقش، گاهی از بالا تا پایین هر درب امتداد دارد و یا این‌که در میانه‌ی هر لنگه وجود دارد؛ اگرچه نمی‌توان خاصیت سازه‌ای و استحکام‌بخشی این نقش را برای درب نادیده گرفت، اما وجود این نقش را می‌توان در عقاید باستانی نیز جستجو نمود. نقش چلیپا را که هرتسفلد «صلیب» می‌نامد، بختورتاش، چلیپا یا «گردونه‌ی خورشید (مِهر)» نامیده است. چلیپا که نماد آن در آیین‌ها و باورهای مختلف دیده می‌شود، نمادی جهانی است. پیشینه‌ی این نماد در ایران تا هزاره‌ی پنجم قبل‌ازمیلاد قابل‌پیگیری است و در دیگر جاها نیز با کمی پس‌وپیش تاریخی به‌همین زمان می‌توان رسید (قائم، ۱۳۸۸: ۳۹). چلیپا نماد بسیار کهنی است و چون نزد پیشینیان به‌گونه‌ای نشانه نیروهای نهفته در طبیعت و نیروهای انسانی بوده در بیشتر سرزمین‌ها، که دارای تمدن‌های باستانی هستند، یافت می‌شود. چلیپا نشانه‌ی آشتی، خوشبختی، نیروی زندگی‌بخش، درمان‌کننده، سپاس از خدایان و درخواست آمرزش از آنان است و نیز به‌منزله‌ی نگه‌دارنده‌ی مردم از پلیدی‌ها و چشم‌زخم‌ها و بدبختی‌ها و اهریمنان و ارواح شیطانی، نمایانگر پیوند با خورشید و ماه و چهار نیروی اساسی آب، باد، آتش و خاک، که برپادارنده‌ی هستی و آفرینش جهان و آدمیان هستند، می‌باشد. شکل چلیپا در دوره‌های مختلف دچار تغییر شده و همان‌طور هم، معانی و مفاهیم آن در میان اقوام مختلف، متفاوت بوده است؛ ولی گفته شده این نقش در تمامی شرایط سمبل خوش‌شانسی و اتفاق خوب، آرزوهای خوب و طول عمر بوده است. همچنین چلیپا می‌تواند نمادی از چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی باشد (قائم، ۱۳۸۸: ۳۷).

یکی دیگر از نقوش نمادین درب‌ها و سردرهای مطالعه‌ی شده در بافت تاریخی رشت، که در نقاط دیگر ایران نیز قابل‌پیگیری است، نقش شمسه، قرص خوشید یا سواستیکا است. استفاده از این نقش را نیز غیر از خاصیت استحکام‌بخشی، می‌توان در سایه‌ی عقاید گذشته پیگیری نمود (شکل ۴). قبل از اسلام، شمسه نماد روزنه‌ای بوده است که نور الوهیت از طریق آن بر زمین جاری می‌شده است. شمسه یا خورشید نزد عرفا و متصوفه‌ی اسلامی نیز نماد انوار حاصل از تجلیات الهی و حقیقت نور خدا و ذات احدیت است (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰). شمسه نماد کثرت در وحدت در کثرت است. کثرت تجلی صفات خداوند است که در این نقش به‌صورت اشکال کثیر ظهور کرده است که از مرکزی واحد ساطع شده‌اند (حسینی و فراشی‌ابرقویی، ۱۳۹۳: ۳۵). این نقش چنان‌که از نام آن پیداست مفهوم نور را تداعی می‌کند، همان‌طور که قرآن کریم نیز در آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی نور، خداوند را «نور» می‌نامد: «الله نورالسموات و الارض»؛ پس درواقع شمسه نمادی از خداوند محسوب می‌شود (حسینی و فراشی‌ابرقویی، ۱۳۹۳: ۳۵). در بعضی آثار دیگر، از شمسه به‌عنوان نماد پیامبر اسلام ﷺ و نشان برکت و روزی هم استفاده شده است (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰).

▲ شکل ۳. نمونه‌ی درب‌ها و سردرهای سبک سنتی پُرکار (نگارنده، ۱۳۹۴).

سردرهای سنتی پُرکار: سردرهای پُرکار طبق همان اصول معرفی‌شده در

Archive of SID

www.SID.ir

سردرهای ساده احداث شده‌اند. اما تزیینات پیچیده‌تر و بیشتر در این نوع سردرها نقش بسته است (شکل ۳).

بیشتر تزیینات به‌کاررفته در این نوع سردرها به‌شکل گُل‌وبوته هستند. نقوش گیاهی به‌کار برده شده شامل نقوش طبیعت‌گرایانه و انتزاعی (اسلیمی) است. نقوش اسلیمی صورتی از تزیینات ایرانی است که شکل انتزاعی طبیعت و گیاهان می‌باشد (محمدزاده و علی‌زاده میرازکلایی، ۱۳۹۲: ۴۲)[۲].

نوع دیگری از درب‌های سنتی پُرکار که نسبت به‌سایر سردرهای پُرکار متجددتر محسوب می‌شوند، درب‌هایی هستند که بخشی دیگر به آن اضافه شده است. این بخش‌ها بیشتر به‌صورت حفره‌هایی با حفاظ‌های آهنی پُرکار و اغلب بدون شیشه، نقش همان پیشانی سردر را ایفا می‌نمایند. در برخی نمونه‌ها، حفاظ‌های آهنی بالای درب، گویا نمادی است از بالا آمدن خورشید. این‌گونه از طراحی سردر را می‌توان متناظر با «گونه‌ی تلفیقی طراحی ورودی ساختمان» که حسین سلطان‌زاده معرفی می‌نماید، دانست.

دوره‌ی گذار: در دوره‌ی گذار می‌توان دو سبک جداگانه شناسایی نمود؛ سبک تلفیقی و سبک ساده که در ادامه بدان‌ها پرداخته‌شده است.

سبک تلفیقی: با گذر زمان و باتوجه به‌تحولات فرهنگی و اجتماعی، نوع خاصی از درب‌ها و سردرها ظهور می‌یابند که به‌نوعی در میانه‌ی سبک سنتی و ساده قرار دارند؛ به‌طوری‌که مشترکاً واجد میراثی از درب‌های سنتی و درب‌های سبک ساده هستند (شکل ۴). ابعاد این نوع درب‌ها تفاوت خاصی با درب‌های سنتی ندارد؛ اما تناسبات و ترکیبات نامتقارن هم در هر لنگه از درب ظهور می‌یابد. در این نوع درب‌ها کوبه‌های مختص مردان و زنان حذف می‌شود و جای آن‌را دستگیره می‌گیرد و یا حداقل به یک کوبه کاهش می‌باشد. همچنین چفت‌وبست‌های قدیمی به‌قفل تبدیل می‌شود.

چوب، جنس غالب درب در این سبک است و استفاده از شیشه در این نوع سبک نسبت به گذاشته رواج بیشتری دارد و نیمه‌ی بالایی هر لنگه‌ی درب با حفاظ‌های فلزی پیچیده تزیین می‌شود. استفاده از درب‌های با سبک تلفیقی ازآن‌جاکه شیشه دارند و امکان بیشتری برای نورگیری فراهم می‌سازند، بیشتر در خانه‌های پشت به‌جنوب که توده‌ی ساختمانی مجاور معبر می‌باشد، متداول‌تر است. درب‌هایی‌که با سبک تلفیقی ساخته‌شده‌اند، سردر خاصی مانند سبک سنتی ندارند؛ بلکه یا درب در داخل ساختمان با عقب‌نشینی کار گذاشته‌شده یا با یک قاب سیمانی محافظت می‌شود یا بدون هیچ عقب‌نشینی به‌موازات دیوار کار گذاشته‌شده‌اند.

سبک تقلیدی: درب‌های سبک ساده یا معاصر در ادامه‌ی تغییر و تحول درب‌های تلفیقی ظهور می‌یابند. باتوجه به امکانات این دوره جنس درب‌ها کاملاً از فلز ساخته می‌شود. تناسبات درب‌ها همان تناسبات پیشین است و دو حالت متقارن و نامتقارن دارند. درب‌های این دوره استفاده از آرایه‌ها کاهش قابل‌ملاحظه‌ای دارد. برخی از این آرایه‌های ایجادشده، تقلیدی ساده و مختصر از آرایه‌های سنتی هستند که به‌صورت نَه‌چندان زیبایی، با استفاده از قطعات فلزی برروی هر لنگه‌ی درب جوش داده‌شده‌اند (شکل ۵). تصویر خورشید، گل و شکل لوزی از جمله آرایه‌های

▲ شکل ۴. نمونه‌ی درب‌ها و سردرهای سبک تلفیقی (نگارنده، ۱۳۹۴).

Archive of SID
www.SID.ir

قابل‌تشخیص در این درب‌ها می‌باشند. برداشتی ساده‌تر از گُل‌میخ‌های سنتی را هم می‌توان در برخی از درب‌ها یافت نمود.

از طرف دیگر در این دوره، با رواج کارگاه‌های جوشکاری، تنوع آرایه‌ها بیشتر می‌شود و شاید به‌دلیل آشنایی کم طراحان جوشکار از عقاید و فنونی که بنّایان و نجاران سنتی برای درب‌سازی به‌کار می‌بردند، آرایه‌های ساده و بی‌مفهوم نیز زیاد می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های قابل‌یافت درباره‌ی آرایه‌های به‌کار رفته‌ی درب‌های این دوره، خشک بودن آرایه‌ها است؛ به‌صورتی‌که این آرایه‌ها با جوش‌دادن چند قطعه‌ی فلز با زاویه‌های تندوتیز، در کنار هم ایجادشده‌اند و به‌دلیل عدم استفاده از قوس‌های سنتی، از نرمی و لطافت کافی برخوردار نیستند. در بین درب‌های این دوره، کم‌کم نوع نامتقارن درب‌سازی نیز رشد می‌یابد؛ به‌طوری‌که ابعاد هر دو لنگه‌ی درب یا آرایه‌های روی هر لنگه، مانند گذشته برابر هم و قرینه نیستند.

درب‌های سبک ساده، تماماً از جنس فلز ساخته می‌شوند و به‌دلیل عدم استفاده از چوب، هنر زمودگری درب‌ها به‌فراموشی سپرده می‌شود. در این دوره زنگ، دستگیره‌های فلزی و کوبه‌های تکی، جایگزین کلون‌های زنانه و مردانه و قفل‌های صنعتی جایگزین چفت‌وبست و خروسک‌های سنتی می‌شوند. همچنین به‌دلیل استفاده از فلز و امکان رنگ‌آمیزی آن، طیف رنگی درب‌ها نیز متنوع‌تر می‌شود. در واحدهای مسکونی این دوره، سردرسازی دیگر معمول نیست و حتی تقسیمات سنتی آن نیز به‌هم می‌خورد؛ به‌طوری‌که درب به‌موازات دیوار کار گذاشته می‌شود و عقب‌نشستگی خاصی ندارد. همچنین قسمت پایه و ساقه سردرهای گذشته حذف می‌شود و تنها قسمت پیشانی سردر که در گذشته با آجر یا کاشی پُر می‌شد، به یک حفره‌ی حفاظ‌دار شیشه‌دار یا بی‌شیشه در قسمت بالایی چارچوب درب تبدیل می‌شود. در این سبک، نقوش به‌کار رفته در بالای درب غنای مفهومی زیادی ندارند و بیشتر نقش حفاظ را دارند.

در سبک ساده، کاربرد کتیبه‌ها کاهش می‌یابد و در صورت استفاده به‌صورت آماده در بالای درب نصب می‌شود. کتیبه‌های این سبک مختصرند (مانند الله) و بدون پیچیدگی خاصی به سه حالت مختلف به‌کار برده می‌شوند: به‌صورت یک تکه‌کاشی، یک تکه‌سنگ کنده‌کاری‌شده و یا یک فلز جوش‌داده شده به درب. افزایش جمعیت، لزوم ساخت‌وساز سریع، وقوع جنگ تحمیلی، نامناسب بودن وضع اقتصادی مردم، گرانی مصالح ساختمانی تزیینی، عدم آگاهی سازندگان و استادان بنّا از عقاید و باورهای سنتی، ازجمله عوامل کم‌رنگ‌شدن استفاده از کتیبه‌های زیبا در سردرهای این سبک می‌باشد (محمدی و رجبی، ۱۳۸۹: ۲۴).

درب‌های این سبک، الحاقات جدیدی باتوجه به‌پیشرفت امکانات در محل درب نصب می‌شود، مانند: لوله‌ی گاز، سیم برق و تلفن، زنگ و چراغ. همچنین با رواج دستگیره‌های صنعتی، استفاده از دستگیره‌های سنتی در این درب‌ها کاهش می‌یابد.

ظهور این تحولات درب و سردرسازی دوره‌ی گذار را می‌توان در سایه‌ی گسترش تفکر معماری مدرن در جامعه‌ی نوین ایران و ازجمله شهر رشت دانست. در

▲ شکل ۵. نمونه‌ی درب‌های سبک سبک تقلیدی (نگارنده، ۱۳۹۴).

Archive of SID

www.SID.ir

گذشته، همانند بناهای دوران کلاسیک، در ابنیه‌ی سنتی شهر رشت نیز، ورودی نقش استفاده‌گرا، نقش محافظتی و نقش معناشناختی داشته و در این میان نقش معناشناختی و محافظتی در ورودی بسیار پراهمیت بوده؛ بدین‌معنا که اعتقادات، تشریفات و مذهب در شکل‌گیری ورودی نقش پُررنگ‌تری داشته‌اند، ولی در معماری مدرن جنبه‌ی استفاده‌گرا یا عملکردی بیشتر مدنظر قرارگرفته است (دوستی‌مطلق، ۱۳۸۸: ۹۵)[۳]. یکی از نتایج اجرایی‌شدن این تفکر درب و سردرسازی دوران معاصر، تبدیل‌شدن ورودی از یک مفصل به یک تیغه است (مظفری‌پور، ۱۳۹۳: ۱۹).

دوره‌ی متأخر: در دوره‌ی متأخر، تمام ویژگی‌های دوره‌ی گذار درب‌سازی و سردرسازی، به‌علاوه چند تغییر دیگر، ادامه می‌یابد. ساختمان‌های احداث‌شده در این دوره در بافت تاریخی شهر رشت، اغلب حاصل تخریب و ساماندهی مجدد همان ساختمان‌های دوره‌ی گذار و بعضاً ساختمان‌های دوره‌ی تاریخی می‌باشند. دو یا چند برابرشدن عرض ورودی درب‌ها و اضافه‌شدن درب‌های بزرگتر در کنار درب‌های کوچک به‌دلیل رواج خودروی شخصی و ایجاد پارکینگ‌های خصوصی و مشاع، از جمله این تغییرات است (شکل ۶). متنوع‌شدن طیف رنگی درب‌ها، استفاده از: نقوش گُل‌نرده (فرفورژه)، صندوق پستی، چراغ رنگی، آیفون تصویری و شیشه‌های بزرگ بازتابی[۴]، از جمله دیگر تحولات صورت‌گرفته درب و سردرسازی دوره‌ی متأخر می‌باشد. می‌توان، گونه‌ای که در این دوره رُخ می‌نماید را، به‌علت تأثیرپذیری زیاد از تحولات صنعتی و فنّاورانه، گونه‌ی «مدرن» نامید.

یافته‌های پژوهش

باتوجه به‌مباحث ارائه‌شده می‌توان از موارد پیش‌رو به‌عنوان یافته‌های پژوهش یاد کرد: تفاوت‌های موجود در تصاویر تهیه‌شده از درب‌ها و سردرهای بافت تاریخی شهر رشت، بیانگر وجود شش‌گونه‌ی مختلف درب و سردرسازی که در طول چهار دوره‌ی تاریخی صورت‌گرفته، می‌باشد (جدول ۲).

مقایسه‌ی گونه‌های شناسایی‌شده، بیانگر این مطلب است که در بافت تاریخی رشت، به‌تدریج و با گذشت زمان، استفاده از شیشه و منافذ در شیوه‌ی درب‌سازی افزایش‌یافته است. در این روند با گذشت زمان، سنت ساخت سردر زوال‌یافته است؛ همچنین سنت کتیبه‌نویسی در سردر نسبتاً منسوخ‌شده و در صورت استفاده، نسبت به‌گذشته ساده‌تر، مختصرتر، صنعتی و بیشتر شبیه به‌هم می‌باشد که با گذر به دهه‌های کنونی، برخی هنرهای درب‌سازی مانند زمودگری و برخی اجزای سردر مانند پیرنشین، کاملاً منسوخ شده و حتی غنای مفهومی و اعتقادی آرایه‌های استفاده‌شده‌ی درب‌ها و سردرها کاهش‌یافته و به‌سمت بی‌مفهومی، اختصار و عملکردگرایی سوق‌یافته است.

در بافت تاریخی رشت، ورودی‌های امروزی نسبت به‌گذشته کمتر مکانی برای توقف، گفتگو ابراز عقاید و آداب ساکنان منزل می‌باشد و بیشتر عملکرد حفاظتی و امنیتی یافته است. اما با این‌وجود هنوز برای نمایاندن منزلت اجتماعی و اقتصادی صاحب‌خانه کاربرد دارند. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت از گذشته تاکنون هنوز یک

▲ شکل ۶. نمونه‌ی درب‌های سبک متأخر (نگارنده، ۱۳۹۴).

Archive of SID

www.SID.ir

دوره‌های زمانی مهم در بروز تحولات اجتماعی و فرهنگی در ایران							
دوره‌ی قاجار و ماقبل	۱۳۰۰تا نیمه‌ی پهلوی دوم		۱۳۴۰- تا ۱۳۷۰		دهه‌ی ۷۰ به بعد		
گونه‌های شناسایی‌شده در طراحی درب و سردر بافت قدیمی رشت	تاریخی	سنتی ساده	سنتی پرکار	تلفیقی	ساده	مدرن	
ویژگی کارکردی ساختمان	اغلب در کاربری‌های عمومی	مسکونی	مسکونی	مسکونی	مسکونی و تجاری	مسکونی، اداری و تجاری	
ویژگی‌های تناسبی	تناسبات و تقسیمات درب	متقارن	متقارن	متقارن و نامتقارن نسبت عرض به ارتفاع ۱ به ۱٫۵ تا ۱ به ۲	متقارن و نامتقارن	متقارن و نامتقارن، افزایش نسبت عرض به طول درب	
	تناسبات و تقسیمات سردر	متنوع	متنوع	متنوع	یکنواخت	یکنواخت و محدود	سادگی یا حذف سردر
	نحوه کار گذاشتن درب نسبت به سردر و معبر	در درسطحی عقب‌تر از سردر اما پایین‌تر یا هم‌تراز با معبر	در درسطحی عقب‌تر از سردر اما پایین‌تر یا هم‌تراز با معبر	در درسطحی عقب‌تر از سردر اما هم‌تراز با معبر	درب عقب‌تر از سردر و درسطحی هم‌تراز یا بالاتر (پله) نسبت به معبر	درب بدون عقب رفتگی و درسطحی هم‌تراز نسبت به معبر	درب با عقب رفتگی از دیوار یا به موازات آن درب درسطحی هم‌تراز یا بالاتر (پله) نسبت به معبر
ویژگی‌های تزئینی	الحاقات درب	گل‌میخ و گوبه	گل‌میخ، کوبه، جاکلیدی، چفت و بست و خروسک	گل‌میخ، کوبه، جاکلیدی، چفت و بست و خروسک	دستگیره و قفل‌های صنعتی	دستگیره و قفل، زنگ، چراغ	دستگیره، صندوق پستی، چراغ رنگی، آیفون تصویری
	جنس درب	چوبی	چوبی	چوبی	چوب و شیشه	فلز و شیشه	فلز و شیشه‌های بازتابی
	مصالح بکار رفته در ساخت سردر	خشت، کاشی، گچ	خشت، گچ	آجر، کاشی، گچ	آجر، گچ، سیمان، سنگ	آجر، گچ، سیمان	آجر، گچ، سیمان، سنگ
	نوع کتیبه‌های سردر	مضامین حماسی، سیاسی، بزمی و مذهبی	مضامین مذهبی	مضامین مذهبی	مضامین مذهبی	مختصر، پیش‌ساخته و با مضمون مذهبی	حذف کتیبه یا استفاده از کتیبه‌های پیش‌ساخته با مضمون مذهبی
	نقوش نمادین درب و سردر	شیر، فرشته، پهلوانان افسانه‌ای	گل‌وبوته، شمسه، هلال	گل‌وبوته، شمسه، چلیپا، نقوش تاج مانند و حفاظ‌های آهنی	حفاظ‌های آهنی پیچیده	تزئینات تقلیدی، ساده و نامفهوم، تصویر خورشید، گل و شکل لوزی	نقوش فرفوژه، نقوش ساده و نامتقارن
	طیف (پالت) رنگی درب	رنگ‌های تیره	رنگ‌های تیره	رنگ‌های تیره	رنگ‌های ساده	رنگ‌های متنوع	رنگ‌های متنوع
تأثیر جایگاه اجتماعی در طراحی درب و سردر	تأثیرگذار	تأثیرگذار		تأثیرگذار		همچنان تأثیرگذار	

◄ جدول ۲. گونه‌شناسی نحوه‌ی ساخت و طراحی درب و سردر بافت تاریخی رشت در قالب دوره‌های تاریخی و براساس چارچوب تحلیلی پژوهش (نگارنده، ۱۳۹۴).

سنت در ساخت و طراحی درب و سردر ثابت باقی‌مانده است و آن سنت عبارت است از: نمایش منزلت اجتماعی صاحب‌خانه در طراحی و ساخت درب و سردر. مقایسه‌ی گونه‌های شناخته‌شده، نشان می‌دهد که این سنت در گذشته با انتخاب درب‌ها و سردرهای بزرگ‌تر، مجلل‌تر و پُرکارتر، کاشی‌کاری و ساخت پیرنشین نمود می‌یافته است. امروزه نیز این سنت با انتخاب درب‌های محکم‌تر، بزرگ‌تر و مجهز به‌وسایل الکترونیکی و تصویری نمایش‌داده می‌شود؛ همچنین مصالح استفاده‌شده در دوره‌های اخیر، به‌دلیل پیشرفت فناوری رنگ‌آمیزی، طیف رنگی متنوع‌تری دارند. استفاده از خودروی شخصی، ابعاد و تناسبات درب‌های سنتی را به‌هم زده است؛ به‌طوری‌که عرض درب‌های امروزی، نسبت درب‌های سنتی حدوداً دو یا سه برابر شده است (شکل ۷ و ۸).

لازم به ذکر است که رویکرد دیگری از طراحی سردر به‌تازگی در ساخت‌وسازهای جدید در حال گسترش است؛ این رویکرد به‌نوعی منبعث از جنبش پست‌مدرن است که در آن از آرایه‌های سنتی بهره‌برده می‌شود (شکل ۹). استفاده از سنگ، سرستون‌های یونانی و مجسمه در این رویکرد معمول می‌باشد. درحال‌حاضر گسترش این رویکرد در حدی نیست که بتوان از آن به‌عنوان یک گونه‌ی مستقل یاد نمود؛ اما به‌نظر می‌آید در آینده این رویکرد به یک گونه‌ی مستقل و رایج در بافت مرکزی شهر رشت (و البته سایر شهرهای ایران) تبدیل شود.

Archive of SID

www.SID.ir

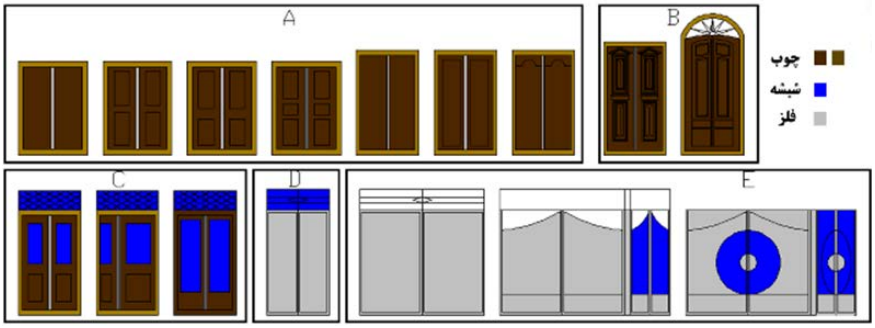

شکل ۷. فرم کلی درب‌های یافت‌شده در بافت مرکزی شهر رشت: (A. درب‌های سنتی ساده ؛ B. درب‌های سنتی پرکار؛ C. درب‌های سبک تلفیقی؛ D. درب‌های سبک ساده؛ E. درب‌های سبک متأخر)، (نگارنده، ۱۳۹۴). ◄

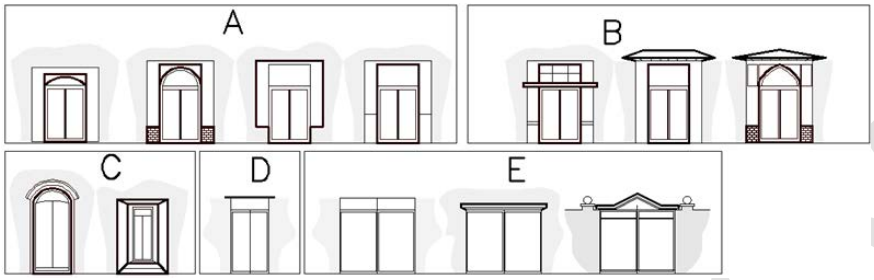

شکل ۸. فرم کلی سردرهای شناسایی‌شده در بافت مرکزی رشت: (A. سردرهای سنتی ساده؛ B. سردرهای سنتی پُرکار؛ C. سردرهای سبک تلفیقی؛ D: سردرهای سبک ساده؛ E. سردرهای سبک متأخر)، (نگارنده، ۱۳۹۴). ◄

نتیجه‌گیری

باتوجه به‌تحولات سیاسی و اجتماعی و فنّاورانه‌ی رُخ‌داده در ایران و شهر رشت، می‌توان ساخت و طراحی درب و سردر بافت تاریخی این شهر را برمبنای شش‌گونه تفکیک نمود: از دوره‌ی قاجار و ماقبل بر مبنای گونه تاریخی، دوره‌ی ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ برمبنای گونه‌ی سنتی ساده و پُرکار، دوره‌ی ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ برمبنای گونه‌ی تلفیقی و تقلیدی و دوره‌ی متأخر برمبنای گونه‌ی مدرن. مقایسه‌ی ویژگی‌های این گونه‌ها طبق چارچوب تعریف‌شده در ابتدای پژوهش، نشان می‌دهد که با گذشت زمان و باتوجه به‌تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری، به‌تدریج سنت‌های درب‌سازی و به‌ویژه سردرسازی زوال‌یافته و به‌سمت کم‌مایگی و تبدیل‌شدن ورودی از یک مکان به یک خط و از یک مفصل به یک تیغه، سوق یافته است؛ می‌توان گفت این چهار شیوه، بازتابی از تحولات اجتماعی، اقتصادی، فنّاورانه و عقیدتی رُخ‌داده در این شهر می‌باشد. به‌عبارت دقیق‌تر، علاوه‌بر فرهنگ حاکم (سنت‌ها و ارزش‌ها)، شیوه‌ی زندگی، اهداف و نیازهای مردمی، پایگاه اجتماعی، موقعیت اقتصادی، ذوق و سلیقه صاحب‌خانه، موقعیت مکانی خانه در محله و نهایتاً سطح پیشرفت تکنولوژی، ازجمله عوامل اصلی در شیوه‌ی در و سردرسازی و تعیین‌کننده‌ی ویژگی‌های غالب در آن‌ها بوده است. لازم به‌ذکر است که درحال‌حاضر برخی از ساختمان‌هایی که نگارنده از آن‌ها عکس تهیه نموده است، بر اثر ساخت‌وسازهای جدید و بی‌توجهی ساکنان وجود خارجی ندارند. ازاین‌رو، امید است به‌منظور حفظ میراث تاریخی و تکرارناشدنی این شهر، نقوش و آرایه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش در ساخت‌وسازهای جدید مجدداً بازتولید شوند.

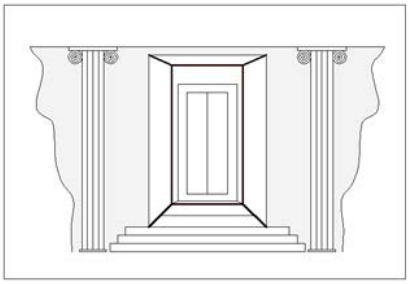

▲ شکل ۹. رویکرد پست‌مدرن در طراحی برخی سردرهای ساخت‌وسازهای جدید در بافت مرکزی شهر که در حال گسترش می‌باشد (نگارنده، ۱۳۹۴).

Archive of SID
www.SID.ir

پی‌نوشت

۱. اسطوره، سرگذشتی راست و مقدس است که در زمان ازلی رُخ‌داده و به‌گونه‌ای نمادین، تخیلی وهم‌انگیز، می‌گوید که چیزی پدید آمده، هستی دارد و از میان خواهد رفت و درنهایت اسطوره به‌شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است (کبیری، ۱۳۹۱: ۱۵).

۲. می‌توان نقوش گیاهی برگ‌ها و درختان پیچان و اسلیمی را نمادی از فرآیند خلقت که از عالم کبیر آغازگشته تا به عالم صغیر راه‌یافته دانست و گل‌وبرگ‌های تجرید شده‌ی آن، خبر از بهشتی می‌دهد که آدم در این فرآیند دیده است (پرویزی و پورمند، ۱۳۹۱: ۳۶).

۳. تفکر مدرن مشوق عملکردگرایی است و نظم و تعادل علمی، پاکی و سرراستی سطوح و شکل‌بندی‌های مکعبی و راست‌خط و عاری از قرینه‌سازی از خصوصیات بارز آن می‌باشد (محمدی و رجبی، ۱۳۸۹: ۲۴). براساس نظریات این مکتب، باید ساختمان‌هایی ساخته می‌شد که همانند نقاشی دارای هماهنگی، تعادل و زیبایی‌شناسی باشد. جنبه‌های منطق‌گرایی و عملکردگرایی در آن از اهمیت بسیاری برخوردار است و تاریخ‌گرایی در معماری و هر آن‌چه با آن مرتبط بود به‌کنار گذاشته‌شده و استفاده از مصالح جدید به‌ویژه: سیمان، اسکلت، بتن و آرمه، رعایت اصول بهداشتی نظیرِ برخورداری ساختمان از تهویه و نور مناسب، افزایش سطح شیشه در بنا، استفاده از احجام هندسی، حذف تزیینات، به‌کارگیری اصول جدید زیبایی‌شناسی که در نقاشی و هنرهای تجسمی اشاعه یافت (محمدی و رجبی، ۱۳۸۹: ۲۴).

4.Reflex.

کتابنامه

- بهزادفر، مصطفی، ۱۳۸۷، *هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران*، تهران: نشر شهر، چاپ دوم.
- پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۹۰، *تاریخ شهر ایران تا پیش از قرن نوزدهم*، تهران: آرمان شهر.
- پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۹، *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی۲* ، جلد دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حبیبی، محسن، ۱۳۸۳، *از شار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران: چاپ پنجم.
- خاکپور، مژگان، انصاری، مجتبی، و طاهریان، علی، ۱۳۸۹، «گونه شناسی خانه‌های بافت قدیم شهر رشت»، *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، شماره‌ی ۴۱، صص: ۴۲-۲۹.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۱، *فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۲، *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کارمونا، متیو، هیت، تیم، تیسدل، تنراک و استیون، ۱۳۹۱، *فضاهای شهری- مکان‌های عمومی*، ترجمه‌ی فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، تهران: دانشگاه هنر.
- کمالی، محمدرضا، ۱۳۸۹، «بررسی معماری دوره‌ی قاجار»، دانش مرمت و میراث‌فرهنگی، سال پنجم، شماره‌ی ۴، صص: ۵۴-۴۷.
- گلکار،کورش. ۱۳۹۰. آفرینش مکان پایدار»، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پرویزی، الهام و پورمند، حسنعلی، ۱۳۹۱، «تجلی عالم مثال در تزیینات معماری عصر صفوی (مطالعه‌ی موردی: مسجد جامع اصفهان)»، آرمانشهر، شماره‌ی ۹، صص: ۴۴-۳۱.
- حسینی، هاشم، ۱۳۹۰، «کاربرد تزیینی و مفهومی نقش شمسه در مجموعه

Archive of SID
www.SID.ir

شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، *مطالعات هنر اسلام*، شماره‌ی ۱۴، صص: ۲۴-۷.
- حسینی،هاشم، و فراشی‌ابرقویی، حسین، ۱۳۹۳. «تحلیل جنبه‌های نمادین شیعی در تزیینات مسجد جامع یزد»، *نگره*، شماره‌ی ۲۹، صص: ۴۳-۳۳.
- دوستی مطلق، پیوند، ۱۳۸۸، «بررسی تاریخچه ورودی»، *آرمانشهر*، شماره‌ی ۲، صص: ۱۰۴-۹۱.
- قائم، گیسو، ۱۳۸۸، «پیام چلیپا بر سفالینه‌های ایران»، *صفه*، شماره‌ی ۴۹، صص: ۴۶-۳۹.
- کبیری، علی، ۱۳۹۱، «نظریه نمادین بودن زبان قرآن»، *رشد قرآن*، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۲، صص: ۱۸-۱۲.
- مظفری‌پور، نجمه، ۱۳۹۳، «شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار در منظر ورودی کاربری‌های تجاری و مذهبی بر ارتقای حس دعوت‌کنندگی (مطالعه موردی محدوده‌ی تجریش تهران)»، *پژوهش‌های منظر شهری*، سال اول، شماره‌ی ۱، صص: ۲۴-۱۷.
- محمدزاده، مهدی، و علی‌زاده میرازکلایی، سمیه، ۱۳۹۲، «تجزیه‌وتحلیل تزیینات فلزی درب ورودی مدرسه چهارباغ اصفهان»، *پژوهش هنر*، سال ۳، شماره‌ی ۵، صص: ۴۹-۳۹.
- محمدی، رضا و رجبی، محمدعلی. ۱۳۸۹. «بررسی کتیبه‌های سردر ورودی منازل تهران از دوره قاجار تاکنون»، نگره، شماره ۱۵، ص۲۷-۱۹.
- ولیزاده‌اوغانی، محمدباقر، و ولیزاده‌اوغانی، اکبر، ۱۳۹۱، «تکریم مهمان و جلوه آن در ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایران»، *معرفت اخلاقی*، سال سوم، شماره‌ی ۴، صص: ۱۱۵-۱۰۳.
- حق‌دوست، هلن، ۱۳۹۲، «محله‌های قدیمی شهرها و ضرورت حفظ و نگه‌داری آن‌ها، *پایگاه خبری تحلیلی شاهد شمال*، بازیابی شده در: ۹۳/۷/۲.
- شریفی، علی‌اکبر، ۱۳۹۲، «بررسی و تحلیل دیوارنگاری در دوره قاجار»، سایت مامیترا، بازیابی شده در: ۹۳/۶/۳۱.
- وب‌سایت لاهیگ (www.lahig.com)، ۱۳۹۱، «اطلاعیه همایش بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی گیلان»، بازیابی شده در: ۹۳/۷/۲.
- وب‌سایت گروه طراحی معماری نواندیشان، ۱۳۹۲، «حمام حاجی در محله ساغری سازان رشت»، بازیابی شده در ۹۳/۶/۲۸.
- موسوی، میرحامد، ۱۳۹۲، «وبلاگ شهر باران» (www.cityrain.com)، بازیابی شده در: ۹۳/۶/۲۸.
- خبرگزاری گیلان (www.guilannews.ir)، ۱۳۹۲، «مسجد شیخ صفی، تاریخی‌ترین مسجد رشت»، بازیابی در۹۳/۷/۳.
- خبرگزاری فارس، بازیابی شده در: ۹۳/۷.

- www. Panoramio.com: Resualt for "Rasht Old Doors" search; View in: 15/10/2014

Archive of SID
www.SID.ir